

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Hamid Mahawy

حمید محوی

ونسان رینوآر - Vincent REYNOUARD

برگردان از: حمید محوی

۱۷ نومبر ۲۰۱۲

از هیروشیما تا بغداد

۵

کاربرد سلاح

اورانیوم ضعیف شده در جنگ های معاصر

پیشگفتار مترجم : انتخاب متن ویدئو، سخنرانی ونسان رینوآر، دلایل متعددی می تواند برای ما داشته باشد، زیرا علاوه بر نادر بودن افشاگری هائی از این دست در فرانسه در این نکته نهفته است که مطالب علمی پیچیده را در حد و حدودی که برای عموم قابل درک باشد، توضیح می دهد و ما می توانیم به سادگی کاملاً با مکانیسم فاجعه آشنا شویم. به همین علت من خواندن این متن را به همه توصیه می کنم. (اگر چه ونسان رینوآر جزء استثناهای رسانه های فرانسوی است و در نتیجه مطالب او در دسترس عمومی نیست – حتی خود من مدتی آدرس انترنتی ویدئوی حاضر را گم کرده بودم چون که در آدرس قبلی حذف شده بود و در جای دیگری خوشبختانه آن را منتشر کرده بودند.)

در این متن سعی کردم با قید زمان ویدئو داخل پرانتز نقاطی را در متن مشخص کنم که خوانندهائی که به زبان فرانسه آشنائی ندارند، در ویدئو تصاویر را پیدا کنند، با این وجود من در برخی موارد تصاویر و به همین ترتیب توضیحات مختصری را اضافه کرده ام. برخی مطالب که مرتبط به فیلم های مستند می شود داخل گیومه گذاشته شده و مابقی به سخنرانی ونسان رینوآر مربوط می شود. متن کمی بلند است، او به شکل محاوره ای حرف می زند و من نیز در شیوه نگارش، تقریباً از همان شکل تبعیت کرده ام. بخشی از پایان ویدئو را که تکراری به نظر می رسید (می توانید بگوئید از روی تنبلی) ترجمه نکردم. متن کمی بلند است و برای خواندن آن باید وقت لازم را اختصاص داد، ولی به همه توصیه می کنم حتماً ۴ صفحه آخر را بخوانید یعنی بخشی که به نتیجه گیری ونسان رینوآر اختصاص دارد و از فلسفه صفر کشته و منشأ آن، و «جنگ ابدی برای صلح ابدی» حرف می زند.

متن سخنرانی (ویدئو)

اسرار و رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده

ترجمه متن سخنرانی روزنامه نگار فرانسوی ونسان رینوآر

در اینجا می خواهیم به موضوعی بپردازیم که اگر چه خیلی جالب و هیجان انگیز است ولی در عین حال خیلی دردناک نیز است. موضوعی که در رسانه های فرانسوی و به طور کلی در سطح جهانی خیلی به ندرت مطرح کرده اند : موضوع رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده است، با وجود این که به در خانه شما رسیده است، ولی غالبا چیزی از آن نمی دانید.

(ونسان رینوآر تصاویر کودکانی که قربانی اورانیوم ضعیف شده بوده اند را روی پرده آمفی تئاتر نشان می دهد) این کودکان قربانی سلاح های اورانیوم ضعیف شده بوده اند. این رسوائی کدام است؟ مشکل این است که...مثل هر موضوع دیگری، اندکی به اطلاعات فنی و به مختصر شناخت علمی نیازمند هستیم تا درک روشنی از آن داشته باشیم.

شما در جهانی به سر می برید که انباشته از ماده است، کاغذ، چوب، فلز، پلاستیک...در این جهان...نقاشی را تصور کنید، این نقاش ظرف رنگی با چهار، پنج، هشت رنگ اصلی که در اختیار دارد و با همان هشت رنگ اصلی، و از طریق مخلوط ماهرانه آنها، میلیون ها رنگ دیگر روی تابلوی نقاشی اش به وجود می آورد. جهانی که ما را احاطه کرده، دقیقا به همین شکل است. تمام این اشیائی که در جهان وجود دارد، از طریق ۱۰۷ عنصر بنیادی تشکیل شده. دقیقا مثل همان نقاشی که با ۸ رنگ اولیه میلیون ها رنگ دیگر روی تابلویش به وجود می آورد، با همین ۱۰۷ عنصر بنیادی و اصلی است که می توانیم تمام این چیزهائی را که در جهان وجود دارد بسازیم. این عناصر بنیادی در عین حال از ذرات کوچکی تشکیل شده اند، که آن را اتم می نامند. اتم کوچکترین واحد عنصر بنیادی است که خواص منحصر به فرد عنصر را حفظ می کند.

گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
دوره ۱	۱ H																	۲ He
دوره ۲	۳ Li	۴ Be											۵ B	۶ C	۷ N	۸ O	۹ F	۱۰ Ne
دوره ۳	۱۱ Na	۱۲ Mg											۱۳ Al	۱۴ Si	۱۵ P	۱۶ S	۱۷ Cl	۱۸ Ar
دوره ۴	۱۹ K	۲۰ Ca	۲۱ Sc	۲۲ Ti	۲۳ V	۲۴ Cr	۲۵ Mn	۲۶ Fe	۲۷ Co	۲۸ Ni	۲۹ Cu	۳۰ Zn	۳۱ Ga	۳۲ Ge	۳۳ As	۳۴ Se	۳۵ Br	۳۶ Kr
دوره ۵	۳۷ Rb	۳۸ Sr	۳۹ Y	۴۰ Zr	۴۱ Nb	۴۲ Mo	۴۳ Tc	۴۴ Ru	۴۵ Rh	۴۶ Pd	۴۷ Ag	۴۸ Cd	۴۹ In	۵۰ Sn	۵۱ Sb	۵۲ Te	۵۳ I	۵۴ Xe
دوره ۶	۵۵ Cs	۵۶ Ba		۷۲ Hf	۷۳ Ta	۷۴ W	۷۵ Re	۷۶ Os	۷۷ Ir	۷۸ Pt	۷۹ Au	۸۰ Hg	۸۱ Tl	۸۲ Pb	۸۳ Bi	۸۴ Po	۸۵ At	۸۶ Rn
دوره ۷	۸۷ Fr	۸۸ Ra		۱۰۴ Rf	۱۰۵ Db	۱۰۶ Sg	۱۰۷ Bh	۱۰۸ Hs	۱۰۹ Mt	۱۱۰ Ds	۱۱۱ Rg	۱۱۲ Cn	۱۱۳ Uut	۱۱۴ Fl	۱۱۵ Uup	۱۱۶ Lv	۱۱۷ Uus	۱۱۸ Uuo
لاندانیدها				۵۷ La	۵۸ Ce	۵۹ Pr	۶۰ Nd	۶۱ Pm	۶۲ Sm	۶۳ Eu	۶۴ Gd	۶۵ Tb	۶۶ Dy	۶۷ Ho	۶۸ Er	۶۹ Tm	۷۰ Yb	۷۱ Lu
اکتینیدها				۸۹ Ac	۹۰ Th	۹۱ Pa	۹۲ U	۹۳ Np	۹۴ Pu	۹۵ Am	۹۶ Cm	۹۷ Bk	۹۸ Cf	۹۹ Es	۱۰۰ Fm	۱۰۱ Md	۱۰۲ No	۱۰۳ Lr

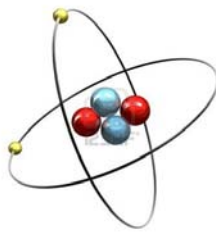
زغالی که در مداد وجود دارد، از اتم های کربن تشکیل شده که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

با پیشرفت تدریجی علم، دانشمندان کشف کردند که تمام اتم ها ساختار یکسانی دارند. یک هسته مرکزی و عنصر دیگری به نام الکترون که در مدار آن می گردد. ولی چه چیزی آنها را از یکدیگر تفکیک می کند؟ هسته هیدروژن یک پروتون و هسته هلیوم دو پروتون و اگر ۵۳ پروتون را با هم در هسته کنار یکدیگر بگذاریم اتم یود به دست می آوریم.

و اگر ۹۲ پروتون را کنار هم بگذاریم اورانیوم خواهیم داشت. در این جا به موضوع مرکزی خودمان نزدیک می شویم.

ولی طبیعت هرگز به همین سادگی که به نظر می رسد نیست. در این جا یک تصویر دیگر به شما نشان می دهم. می بینید که اینجا هیدروژن تنها یک پروتون دارد.

ولی هلیوم دو پروتون در هسته مرکزی اش دارد



ولی دو عنصر دیگر را مشاهده می کنید که در مرکز تجمع کرده اند. این موضوع برای درک مطالب بعدی مهم است. این دو عنصر نوترون ها هستند (تعداد پروتون ها و نوترون ها برابر است). بمب نوترونی به همین موضوع مربوط می شود. این نوترون ها در حالت عادی اهمیتی ندارند، و فقط اتم را کمی سنگینتر می کنند. ولی خاصیت اصلی به پروتون ها مربوط می شود. هلیوم به دلیل داشتن دو پروتون هلیوم است.

در کربن شما ۶ پروتون دارید ولی ۶ نوترون نیز دارید که با یکدیگر هستند. در نتیجه آن چه را باید در خاطر داشته باشیم، تعریف اتم است، اتم چیست؟ اتم تشکیل شده از یک هسته با تعدادی پروتون و نوترون در مرکز و الکترون در مدار آن، و عنصری که تعیین کننده خواص آن می باشد پروتون است، یک پروتون برای هیدروژن و دو پروتون برای هلیوم و غیره...

حالا، چه چیزی در اورانیوم می تواند برای ما اهمیت داشته باشد؟ مسأله، چه برای کربن ۱۴ و چه برای اورانیوم، از این رو مطرح است که جزء اتم های خیلی سنگین هستند. این فلزات سنگین خودشان را به شکل طبیعی سبک می کنند.

هسته اورانیوم چه کار می کند؟ هسته اورانیوم پروتون و نوترون را به بیرون پرتاب می کند و سبکتر می شود. و از آن جایی که طبیعت نیز اسرار خاص خود را دارد، اتم هایی هستند که نمی توانند پروتون و نوترون را پرتاب کنند، در این صورت یک الکترون پرتاب می کنند. با سرعت خیلی زیاد به اطراف پرتاب می کنند. در نتیجه این پدیده پرتاب عناصر به بیرون از هسته اتم را رادیواکتیویته می نامیم. همه شما حتما اسم رادیواکتیویته را شنیده اید. رادیو اکتیویته چیزی نیست به جز همین اتفاقی که برای اتم های سنگین روی می دهد، و عناصری از هسته آن به بیرون، در هوا با سرعت خیلی زیاد پرتاب می شود و بر این اساس سبک می شود. ولی این را بگویم که اگر رادیواکتیویته به سوی ما پرتاب شود، برای ما خطر ناک خواهد بود.

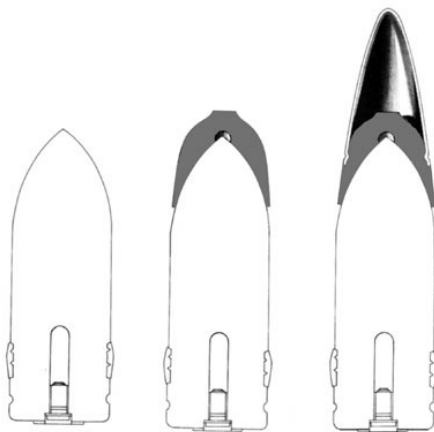
اگر یک شمش اورانیوم را در نظر بگیرید، اورانیوم عناصری را به بیرون پرتاب می کند، و هر چه زمان می گذرد اورانیوم سبکتر می شود، و دیگر اورانیوم نیست چون که سبکتر شده است، و به توریوم تبدیل شده است. برای چنین تغییر و تبدیلی اصطلاح «دوران» را به کار می برند. برای توریوم دوران (پریود) ۱۴ میلیارد سال و برای اورانیوم یک میلیون و نیم سال. بر این اساس اگر اورانیوم جذب بدن شما شود آن را تا یک میلیارد و نیم سال با خود خواهید داشت و در بدن شما دوام خواهد آورد. به همین علت است که رادیو اکتیویته خطرناک است. در نتیجه آلودگی به اورانیوم آلودگی کوچکی نیست و بسیار خطرناک است. رادیو اکتیویته را در اواخر قرن نوزدهم کشف کردند، و نمی دانستند به چه درد می خورد، و تعدادی از دانشمندان به همین علت مرده بودند ولی دلیل مرگ آنها روشن نبود، و نمی دانستند که به دلیل پرتو افکنی و رادیواکتیویته بوده است. تا این که در سال ۱۹۳۹ دو دانشمند آلمانی برای آزمایش هسته اورانیوم ۲۳۵ را بمباران کردند و مشاهده کردند که اتم به دو قسمت تقسیم می شود و در عین حال انرژی تولید می کند. البته تقسیم یک اتم به دو بخش، انرژی زیادی تولید نمی کند، ولی وقتی چند میلیارد اتم با هم جدا شوند، انرژی زیادی تولید می کند و با آن می شود آب گرم کرد و یا ماشین بخار را با آن به کار انداخت و غیره. بعد به این نتیجه رسیدند که بر این اساس می توانند انرژی تولید کنند، و اگر چند میلیارد اتم با هم شکسته شوند، مثل دینامیت منفجر خواهد شد، و همین نتیجه گیری، اصل اولیه در اختراع بمب اتمی است. بمب اتمی چیست؟ بمب اتمی یعنی شکستن چند میلیارد اتم اورانیوم ۲۳۵ در ظرف کمتر از یک ثانیه. بر این اساس انرژی عظیمی تولید می شود که حرارت فوق العاده ای تولید می کند و در عین حال چندین شوک نیز وارد می سازد. تفاوت آتش بخاری و بمب در این نکته است که آتش بخاری انرژی خود را به کندی آزاد می کند، ولی چوبی که در بخاری به آرامی می سوزد اگر بخواند ظرف یک ثانیه آتش بگیرد، انرژی به شکل انفجار آزاد می شود. مرکز تولید انرژی هسته ای کارش همین است که انرژی را به آرامی آزاد می کند، آب گرم می کند و توربین ها را به حرکت در می آورد و برق تولید می کند. ولی، بمب اتمی در واقع یک مرکز هسته ای با سرعت بسیار بالا است، و تمام انرژی را به شکل انفجار آبی و تعدادی شوک آزاد می کند. ولی مسأله چیست؟ در واقع طبیعت برای ما همیشه به خوبی تدارک ندیده است. برای چنین انفجاری باید اورانیوم ۲۳۵ در اختیار داشته باشیم. اورانیوم یک فلز کاملاً عادی در طبیعت است، فلز سفید رنگ. اگر اورانیوم استخراج کنیم نود و نه، ممیز ۲۸ درصد اورانیوم ۲۳۸ خواهد بود و صفر ممیز ۷۴ درصد اورانیوم ۲۳۵... ولی اورانیوم ۲۳۸ کاربردی ندارد، و تنها اورانیوم ۲۳۵ است که کار برد دارد. یعنی صفر ممیز ۷۴ درصد، که حتی یک درصد اورانیوم موجود را نیز تشکیل نمی دهد. اگر با تمام اورانیومی که در طبیعت وجود دارد بخواند بمب اتمی بسازید، موفق نخواهید شد، چون که به اندازه کافی اورانیوم ۲۳۵ در آن وجود ندارد. برای ایجاد چنین واکنشی، باید اورانیوم ۲۳۵ در اختیار داشته باشید. به همین علت نیز هست که کشورهای اندکی می توانند بمب اتمی بسازند، زیرا باید ۹۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ داشته باشید. یعنی این که باید اورانیوم ۲۳۸ را جدا کنید و اورانیوم ۲۳۵ را ذخیره کنید. ولی چگونه می توان ذراتی را که با چشم عادی قابل رؤیت نیستند از یکدیگر تفکیک کرد؟ انسان سفید پوست مبتکر با مهارت کافی موفق به انجام این کار شده است. با سانتریفوژ در مراکز تولید انرژی هسته ای...

در جنگ جهانی امریکائی ها با عجله می خواستند بمب اتمی بسازند، هیتلر چنین طرحی نداشت، اگر هیتلر این کار را کرده بود، حتماً او را بربر کثیف می نامیدند، ولی وقتی که دموکراسی از آن استفاده می کند، عادی تلقی می شود.

در نتیجه امریکائی ها با شتاب بمب اتمی را ساختند، و به اندازه یک حبه قند از اورانیوم، در یک چهارم ثانیه، انرژی را آزاد کرد که ۶۰۰۰۰ نفر انسان را به هلاکت رساند. رکوردی که ناسیونال سوسیالیست نازی هرگز به آن نرسید، ولی دموکراسی به خوبی از عهده آن بر آمد. حال از شما باید بپرسم که با این وصف شرارت در کدام جبهه است؟

چه اتفاقی افتاد؟ برای ساختن بمب اتمی عجله کردند. پس از پایان جنگ دیگر احتیاجی به بمب اتمی نداشتند، البته دائما از این بمب ها می ساختند، ولی برای مصارف عادی و بی خطر به استثناء مواردی مثل چرنوبیل، ولی مراکز هسته ای از سال های ۱۹۴۰ برای تولید انرژی بی خطر، دائما در حال غنی کردن اورانیوم بوده اند، به این معنا که اورانیوم ۲۳۵ را از اورانیوم ۲۳۸ جدا کرده اند. اورانیوم غنی شده ۲۳۵ را نگهداشته اند و اورانیوم ۲۳۸ را کنار گذاشتند، اورانیوم ۲۳۸ همان ماده ای است که آن را اورانیوم ضعیف شده می نامند. برای مراکز هسته ای باید اورانیوم غنی شده ۵ تا ده درصد اورانیوم ۲۳۵ داشته باشند، در حالی که همانطور که پیش از این یادآور شدم برای بمب اتمی به اورانیوم تا ۹۰ درصد احتیاج هست.

از آنجائی که اورانیوم ۲۳۸ کاربردی نداشت و نمی دانستند با آن چه کار کنند، ولی این ماده رادیو اکتیو بود و به همین علت آن را در بشکه های مخصوص در اعماق زمین و یا اعماق دریا مدفون می کردند. به همین علت هر چه در دریای مانس دفن کرده بودند، پس از سال ها بیرون زده و حالا این دریا انباشته از مواد رادیو اکتیو است. با این مقدمه می پردازیم به یکی از مسائل نظامی. مسأله بمب. یادآوری می کنم که طی جنگ ۱۹۱۴، بمب و به موازات آن نیز تانک می ساختند. طبیعتا سعی می کردند بمب هایی بسازند که بتواند تانک را تخریب کند. به همین علت بود که بمب ضد تانک را اختراع کردند. در آغاز، بمب ها به خوبی عمل می کردند، ولی بعد جداره تانک را ضخیمتر ساختند، و بمب دیگر کارا نبود، به همین علت بمب نفوذگر را اختراع کردند. چون که بمب های معمولی به محض اصابت به جداره زرهی منفجر می شد و نمی توانست به تانک آسیبی برساند، چون که جداره تانک ضخیمتر شده بود. ولی بمب ضدتانک شامل دو قطعه است، قطعه اول ابتداء در جداره نفوذ می کند و بعد قسمت دوم در داخل تانک منفجر می شود (در دقایق ۱۶ و ۱۸ ثانیه تصویر بمب سنتی و بمب نفوذی را مشاهده می کنید، مشابه آن را در پائین ببینید). بخش نفوذگر می بایستی ابتداء جداره زرهی را بشکافد و در مرحله بعدی بمب در درون تانک منفجر می شود. اوایل قطعه نفوذ کننده از فولاد بود، چون که فولاد فلز متراکمی است، بعد آلیاژهای دیگری برای جداره زرهی ساختند که بتواند در مقابل فولاد نیز مقاومت کند.



در نتیجه مسابقه ای بین سازندگان تانک و بمب های نفوذگر شروع شد. از یکسو جداره های تانک را از آلیاژهای محکمتر می ساختند و از سوی دیگر سازندگان ضد تانک سعی می کردند نفوذ گرهای متر اکمتری اختراع کنند، تا این همین ۲۰ سال پیش نفوذگرها را از آلیاژ تنگستن می ساختند، که فلزی سخت و سنگین است. بعد متوجه شدند که اورانیوم سخت ترین فلز موجود است، و این همه اورنیومی که تا حالا کنار گذاشته شده و کاربردی برای آن پیدا نکرده بودند. نتیجه گرفتند که باید فکر بکری باشد، در حالی که تنگستن ۱۷ تن برای متر مکعب است، اورانیوم ضعیف شده با ۱۸ تن برای متر مکعب، مطمئناً نتیجه بهتری خواهد داشت، ولی هنوز به قدرت آن پی نبرده بودند. سپس آزمایشاتی را به اجرا گذاشتند، و دیدند که اگر تنگستن از فاصله دو کیلومتری نفوذ می کند، اورانیوم ضعیف شده از فاصله دو کیلومتر و نیم نفوذ می کند، یعنی پانصد متر بیشتر، و حتی از فاصله سه کیلومتری می تواند در جداره زره نفوذ کند. ولی برای پژوهشگران جای شگفتی بود که چرا اورانیوم که سنگینی و تراکم آن خیلی بیشتر از تنگستن نیست، تا این اندازه مؤثر عمل می کند؟ (تصویر دقیقه ۱۸ و ۱۰ ثانیه سرهنگ اریک دکسون (۱)، سخن گوی دولت امریکا این تفاوت را نشان می دهد).

سرهنگ اریک دکسون : «اورانیوم خیلی مؤثرتر است، تنگستن در لحظه اصابت به هدف پهن می شود و قدرتش را به تدریج که در جداره فرومی رود از دست می دهد، در حالی که اورانیوم نه تنها مثل تنگستن در برخورد با جداره زرهی پهن نمی شود بلکه نیز تر و باریکتر می شود، تفاوت این مواد در جدولبندی به ثبت رسیده، با اورانیوم می توانیم از فاصله ۳ کیلومتری به هدف بزنیم، در حالی که با تنگستن بیشتر از دو کیلومتر ممکن نیست، در نتیجه برای ما برتری واقعی تکتیک تلقی می شود.»

تنگستن کمی شبیه خمیر مجسمه سازی است، و هنگام اصابت به جداره زره پهن می شود. البته در جداره نفوذ می کند، ولی هر چه بیشتر در جداره فرو می رود، بیشتر پهن می شود و از نیرویش کاسته می شود، به همین علت تنگستن از فاصله بیش از دو کیلومتری کارگر نیست. اورانیوم ضعیف شده کاملاً متفاوت است، زیرا وقتی به جداره زره اصابت می کند، به جای این که مثل تنگستن پهن شود، باریکتر و تیز تر می شود، در نتیجه اورانیوم ضعیف شده هر اندازه وارد جداره زره می شود، نفوذ بیشتری پیدا می کند (تصاویر دقیقه ۱۹ و ۲ ثانیه).

گامی که با اورانیوم ضعیف شده برداشته شد، فوق العاده بود، زیرا جداره زره را می شکافت، و علاوه بر این به دلیل اسطکاک فلز به حال گداخته و مذاب در می آید، و خدمه داخل تانک زیر باران مذاب قرار می گرفتند و به همین ترتیب تمام تجهیزات و مهمات موجود زیر باران فلز گداخته منفجر می شد. (فیلم دقیقه ۲۰ و ۹ ثانیه منفجر شدن تانک عراقی را نشان می دهد) چند ثانیه پس از اصابت گلوله اورانیوم ضعیف شده، تانک از درون منفجر می شود. خدمه تانک حتی فرصت خارج شدن هم نخواهند داشت، تصویری هست که خدمه یک تانک عراقی را نشان می دهد که کاملاً سوخته و تا نیم تنه از برجک تانک بیرون خزیده، ولی برای او کار تمام شده بود، و نیم تنه جزغاله اش تنها روی برجک باقی می ماند.

(تصویر دقیقه ۲۰ و ۲۲ ثانیه) کاپیتان ارتش امریکا دوگ راکی (۲) توضیح می دهد : اورانیوم در لحظه اصابت راه خود را در ماده می پیماید، و در داخل تانک در حالت التهاب و ذوب منفجر می شود، تحت چنین شرایطی هر چه که داخل تانک وجود داشته باشد می سوزد و یا در اصابت به مهمات موجب انفجار گلوله ها می شود، و تمام ساکنان تانک می میرند.»

(تصویر دقیقه ۲۱ و ۲ ثانیه) یک گروهیان امریکائی، کارول پیکو (۳)، می گوید : در جنگ عراق من راننده کامیون بودم، در اطراف باقیمانده تانک و کامیون های عراقی را می دیدم که زغال شده بودند، هنگامی عبور ما،

از لاستیک چرخ ماشین ها هنوز دود بر می خاست. کاروان ما مجبور شد بین تمام ابزارهای نظامی که در حال سوختن بود، بیش از دو ساعت توقف کند. به همین علت از کامیون خارج شدم تا از صحنه دهشتناکی که می دیدم عکس بگیرم، آن چه می دیدم واقعا وحشتناک بود. نمی توانستم بفهمم چگونه تانکها به این شکل زغال شده اند؟ چرا؟ چرا تا این اندازه ذوب شده اند؟ (کارول آلبوم عکس هایش را نشان می دهد) ببینید، تانک، زغال شده، ساختمان زغال شده، باقیمانده بدن، باز هم در این جا اجساد زغال شده را می بینید...

(دقیقه ۲۲ و ۴۲ ثانیه) در نتیجه اسلحه برتر، ببینید این شکل اورانیوم ضعیف شده با نوک نفوذ گر است. ولی مشکل، تنگستن رادیواکتیو نیست. اورانیوم کمی رادیو اکتیو است. ولی وقتی تعداد زیادی اورانیوم ضعیف شده پرتاب می شود، آنهایی که به هدف اصابت نکرده اند، زمین را آلوده می کنند، و بمب هایی که به هدف اصابت کرده اند، گرد و غبار اورانیوم تولید می کنند، و هوا از مواد رادیو اکتیو اشباع می شود، سربازهایی که در منطقه بمباران شده بوده اند، و یا آنهایی که از آنجا عبور کرده اند، عناصر اورانیوم را تنفس کرده اند.

(تصویر دقیقه ۲۳ و ۴۸ ثانیه کاپیتان ارتش امریکا دوگ راکی (۲) توضیح می دهد : «در این تصویر گروه اورانیوم ضعیف شده را با یک تانک آبرام ام یک در عربستان سعودی را می بینید تانک را می بایستی به ایالات متحده بازگردانیم، من را در وسط گروه می بینید... تمام افرادی که در این تصویر می بینید، همه یا مرده اند و یا بیمار هستند. اطلاعاتی که دولت ایالات متحده در پاسخ به پرسش های مطرح کرده است، به ما می گفتند که هیچ خطری متوجه ما نیست، آنها تأیید کرده بودند که ذرات در هوا معلق نخواهند شد، و اکسیدها به اندازه ای سنگین هستند که خطر تنفس کردن آن وجود ندارد. ولی تمام اکیپ یا مردند، یا بیمار شدند، و نتیجه این وضعیت از هم پاشیده شدن خانواده ها بود.»

(تصویر دقیقه ۲۴ و ۲۳ ثانیه) «این تانک با گلوله ۱۲۰ میلیمتری منهدم شده است، غباری که روی دیپوزیتیو می بینید، گرد و غبار اورانیوم است. اکسید اورانیوم است. این موضوع کاملاً ثابت می کند که غبار اورانیوم می تواند به حالت معلق در هوا پراکنده شود و در نتیجه خطر بلعیدن آن از طریق تنفس هوا کاملاً وجود دارد. و وقتی بلعیده شود، برای چهار میلیارد و نیم سال آینده باقی خواهد ماند. به همین علت برای همه خطرناک است، نظامی و غیر نظامی. در این جا شما لباس مخصوص محافظتی را می بینید. در واقع هر فردی که بخواهد به فاصله ۲۵ متری کامیون و تانک و هر شیء دیگری که به اورانیوم ضعیف شده آلوده شده، نزدیک شود، باید آن را بپوشد. (تصویر یک سرباز امریکائی روی یک تانک تخریب شده عراقی دقیقه ۲۵ و ۳۷ ثانیه) این سربازی که روی تانک عراقی می بینید، از اورانیوم ضعیف شده چیزی نمی دانسته است، و نشان می دهد هیچ هشدار در این زمینه به سربازان داده نشده بوده است. این سرباز امروز بیمار است و مشکل تنفسی دارد، اختلالات نورولوژیک مثل دیگران. این فردی که در تصویر می بینید در اثر ابتلاء به سرطان مرده است، ایالات متحده از درمان او خود داری کرده است.»

پژوهش هایی انجام گرفته و از سال ۱۹۸۴ ، ارتش امریکا متوجه خطر شد، و پی برد که اگر چه اورانیوم ضعیف شده مؤثر است ولی برای محیط زیست خطرناک است، ولی از دیدگاه ارتش امریکا، این سلاح به اندازه ای مفید و مؤثر بود که با وجود تمام مخاطرات آن را به کار برد. برخی گمان می کنند که گویا اسرائیلی ها نیز به این سلاح مجهز بوده اند، و در جنگ ۱۹۷۳ آن را به کار برده اند، ولی با قطع نظر از این حدس و گمان، اورانیوم ضعیف شده برای نخستین بار در عراق و سپس در صربیه به کار برده شد. در افغانستان نیز این سلاح را به کار برده اند، و سال ۲۰۰۳ دوباره اورانیوم ضعیف شده را در عراق به کار بستند.

(دقیقه ۲۷) «تصاویر جنگ عراق و کوزوو برای تبلیغ در بازار اسلحه به نمایش گذاشته می شود تا نشان دهند که این سلاح ها آزمایشات خود را در جنگ های واقعی پشت سر گذاشته اند - بمب هائی که در جنگ خلیج (خلیج فارس) به کار برده شده اند، برای تجار اسلحه مرجع تجارتي و تبلیغاتی به حساب می آیند.» (در این فیلم می بینیم که یکی از نمایندگان فروشگاه اسلحه در مورد مزیت های یک بمب اورانیوم ضعیف شده تبلیغ می کند. وقتی از نماینده فروش اسلحه می پرسند که آیا این بمب اخیراً مورد استفاده قرار گرفته، می گوید آری ولی نمی گوید در کجا، ولی مشخصاً می گوید «این را به شما نخواهم گفت.» ولی مفسر خبری می گوید این بمب مطمئناً در بالکان به کار برده شده، در بوسنی ۱۹۹۵، در صربیه و کوزوو سال ۱۹۹۹ به عنوان جنگهای نوین جراحی کننده. مأمور اصلی اورانیوم ضعیف شده در کوزوو، هواپیماهای آ ۱۰ بوده است که مسلسل آن تنها گلوله های اورانیوم ضعیف شده شلیک می کند.

این نوع هواپیما در طول جنگ کوزوو دائماً توسط ارتش امریکا به کار برده شده است. رد دودی که در پرواز این هواپیما می بینید، به این دلیل است که در حال تیراندازی با حجم آتش ۳۸۰۰ گلوله اورانیوم ضعیف شده در دقیقه است. امروز در محل حوادث، ابهامات بسیار زیادی وجود دارد. مأموران صلیب سرخ نمی دانند به مردم چه باید بگویند. (فیلم در دقیقه ۲۸ دقیقه و ۴۹) سمت چپ تانکی را می بینید که منفجر شده، و معلوم نیست با چه نوع سلاحی مورد اصابت قرار گرفته است؟ مطمئناً در این جا برای قدم زدن روی چمن ها پیاده نخواهیم نشد. گلوله های اورانیوم رادیو اکتیو هستند. باید پنجره اتومبیل را ببندیم چون که ممکن است گرد و غبار اورانیومی که در هوا پراکنده شده وارد شش هایمان شود. مردم در اینجا خیلی نگران هستند، و می دانند که از این نوع سلاح ها در اینجا به کار برده شده است.»

امروز حدود ۳۰ کشور در جهان مسلح به سلاح های اورانیوم ضعیف شده هستند، به شکل گلوله تانک، مسلسل، و هواپیماهای آ ۱۰ مشهور به قاتل تانک که در آغاز امریکائی ها آن را برای تخریب تانک های شوروی ساخته بودند، و مسلسلی که زیر دماغه این هواپیما می بینیم، در اصل هواپیما را بر اساس آن مسلسل ساختند. گلوله های اورانیوم از هر جداره ای عبور می کند، حتی بتون آرمه. در عراق پناهگاه بسیار محکمی بود که هزار و هشتاد نفر در آن پناه گرفته بودند و در اثر اصابت بمب اورانیوم ضعیف شده، همه کشته می شوند. تعداد زیادی از آنها زن و بچه بودند، واقعا نفرت انگیز است.

تنها امریکائی ها نیستند که سلاح های اورانیوم ضعیف شده می سازند، تمام شرکت های سازنده اسلحه دست به کار شده اند.

(دقیقاً ۳۰ و ۲۵ ثانیه) «امروز شیخ محمد رشید برای خرید اسلحه آمده است، در نمایشگاه دبی تمام فروشندگان اسلحه حاضر هستند (آقای دسو سازنده فرانسوی را نیز می بینیم). می دانیم که در این نمایشگاه سلاح هائی به نمایش گذاشته شده اند که از نوع اورانیوم ضعیف شده است. وقتی درباره محتوای بمب ها از فروشندگان می پرسیم بسیاری از آنها نمی خواهند در این باره حرف بزنند.»

(دقیقه ۳۱ و ۱۷ ثانیه) چرا اورانیوم ضعیف شده برای بدن مضر است؟ درک این موضوع بسیار ساده است. می دانیم که سلول واحد بنیادین ساختاری و کارکردی تمام اندامگان های موجودات زنده است. سلول پوست، سلول جگر، سلول مغز، سلول دارای غشائی هست که آن را محیط اطراف جدا می سازد، درون سلول ماده مایع شکلی وجود دارد... ما زیاد وارد جزئیات نخواهیم شد، ... در وسط سلول هسته سلول را می بینید، در سلول «دی ان ای»

سر واژه دئوکسی ریبونوکلیک اسید نوعی اسید نوکلئیک می باشد که دارای دستورالعمل ژنتیکی است. به شکل مختصر آن را «دنا» نیز می نامند.

به طور ساده تر، دی ان ای در سلول شما، مانند کتاب زندگی شما است، اگر چشم آبی یا سیاه دارید، اندازه شما، و غیره علت این است که شما کد ژنتیک خاصی دارید، دنا شما را کاملاً بر اساس برنامه مشخصی به وجود آورده است.

یک کمی شبیه زبان عبری است، تنها چهار حرف دارد، حروف سه تا سه کلمه ای را تشکیل می دهد. ولی در دنا جملات جدا از یکدیگر نیستند، و تمام حروف به هم چسبیده اند، و با ترکیب این چهار حرف است که اعضای بدن برنامه ریزی می شود.

ولی وقتی ما با رادیواکتیو بمباران می شویم، چه اتفاقی می افتد؟ وقتی رادیواکتیو در سلول نفوذ می کند، غشا را شکافته و سلول مانند بادکنکی که سوراخ شده باشد، مایه درونی اش را از دست می دهد و می میرد. البته اگر فقط یک تشعشع مختصر باشد و یک سلول بمیرد، اهمیت خاصی ندارد. ولی اورانیوم ضعیف پنج میلیارد، ده میلیارد عنصر هسته ای پرتاب می کند و حتی بیشتر، ظرف یک ثانیه تعداد زیادی از سلول ها می میرند. وقتی دست شما در اثر حرارت می سوزد، احساس سوزش به این علت است که تعدادی سلول می میرند، اورانیوم ضعیف شده نیز به همین شکل است، رادیو اکتیویته بدون حرارت است ولی همین اتفاق می افتد.

وقتی عناصر رادیواکتیو وارد هسته سلول می شود، دو احتمال وجود دارد، یا سلول می میرد، و این واقعه بهترین اتفاقی است که می تواند روی دهد، و یا این که وارد هسته می شود و با برشی که در زنجیره «دنا» ایجاد می کند، کاملاً کد ژنتیکی را تغییر می دهد. نتیجه چنین تغییراتی، سرطان، غده، و نقص عضو است. ولی وقتی که شما شدیداً تحت تأثیر تشعشعات قرار بگیرید مثل جاپانی ها، فوراً از بین می روید.

(تصویر در دقیقه ۳۵ و ۳۴ ثانیه) این تصویر نطفه است. سلولی که در این جا قرار گرفته، ممکن است که سلول سازنده دست باشد، و وقتی از بین می رود، بعداً کودک به شکل مادر زاد بی دست به دنیا می آید، چون که تحت تأثیر تشعشعات رادیواکتیو آن سلول آسیب دیده و از بین رفته است. حالا شما تصور کنید که مادر باردار زیر بمباران رادیواکتیو قرار بگیرد، و این و یا آن سلول کودک آسیب ببیند، یک سلول، ولی موضوع یک عضو تمام و کمال یعنی دست کودک است.



(تصویر دقیقه ۳۶ و ۶ ثانیه، کودکی را نشان می دهد که بی دست است. این تصویر البته خیلی شناخته شده است و متعلق به فرزند یکی از سربازان امریکائی می باشد که در جنگ علیه عراق شرکت داشته است.) اگر سلولی که باید مغز کودک را بسازد آسیب ببیند، کودک بی مغز به دنیا می آید. زن حامله ای که در محیط آلوده به رادیواکتیو بوده است، قویاً برای کودک او خطرناک خواهد بود. به همین علت است که این همه روی خطر رادیواکتیو پافشاری می کنیم.

(تصویر دقیقه ۳۶ و ۲۳ ثانیه) این تصویر همان هواپیمای مشهور ۱۰۱ قتل تانک است. چه اتفاقی می افتد، وقتی گلوله پرتاب می شود، گلوله از همان آغاز گرد و غبار به وجود می آورد، مرحله دوم، تانک مورد اصابت قرار می گیرد و منفجر می شود، و در اثر انفجار عناصری را در اطراف پخش می کند، و قطعات بازمانده کاملاً آلوده به مواد رادیواکتیو است.

سپس، سفره های آب زیر زمینی را آلوده می سازد، در اثر پراکندگی روی زمین با باد به دور تر ها منتقل می شود، و با مخلوط شدن با ابر در ارتفاعات بالا به شکل باران دوباره به زمین باز می گردد. تمام این موارد، در مجموع یعنی آلودگی عمومی. تنها جبهه جنگ نیست که هدف گرفته می شود.

افسران امریکائی، می گویند، در یک فشنگ مقدار کمی اورانیوم وجود دارد. در عراق اعتراف می کنند که ۳۰۰ تن اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند. ولی ۳۰۰ تن می تواند تنها در حد حجم یک اتاق باشد و نه بیشتر. (دقیقه ۳۸) «افسر امریکائی می گوید: «در واقع تمام اورانیوم به کار برده شده معادل سه متر مکعب است، خیلی ناچیز است»

البته که تمام اورانیوم به کار برده شده می تواند در یک اتاق جای بگیرد، ولی تمام منطقه ای را می تواند برای میلیاردها سال آلوده سازد.

(دقیقه ۳۸ و ۲۸ ثانیه) «وقتی بمب اورانیوم تانکی را منفجر می کند، هزاران گرد اورانیوم در هوا پراکنده می شود. این اورانیوم گرد بسیار کوچکی است که در هوا باقی می ماند و با اورانیومی که در معدن وجود دارد کاملاً متفاوت است. و سربازان نمی دانند که این گرد اورانیوم ضعیف شده است و به راحتی در اثر تنفس وارد بدن آنها می شود، یکی از خصوصیات اورانیوم ضعیف شده، این است که خیلی به راحتی آتش می گیرد.»

به طور کلی و به همین گونه در فرانسه، گفتمانی وجود دارد، که گفتمان محافل رسمی است، و دائماً سعی دارند بگویند که خطرناک نیست: «روی زمین هیچ اثری از رادیواکتیویته پیدا نکرده ایم.» «روی تانک ها هیچ اثر از رادیواکتیویته دیده نشده...» و غیره...

(دقیقه ۳۹ و ۴۹ ثانیه) «من بیمار شدم،... وقتی به خانه برگشتم، با شوهرم، بدنم را حس نمی کردم، صورتم را احساس نمی کردم، به شوهرم گفتم فکر می کنم که من تغییر کرده ام، دیگر همانی نیستم که بودم. مشکل جهاز هاضمه داشتم، و پس از آزمایش پزشکی به من گفتند که مشکل فیزیولوژیک دارم. به من گفتند نگران نباشم، فقط رژیم غذایی ام را باید تغییر دهم. عضلاتم درد می کرد، و دیگر هیچ چیزی را نمی توانستم حمل کنم، مشکل حافظه پیدا کرده بودم، فراموش می کردم. افرادی به دفتر تلفن می زدند و فراموش می کردم که پیغام آنها را منتقل کنم، حتی فراموش کردم پسر را از مدرسه به خانه بیاورم. غده تیروئیدم را از دست دادم. اندازه دست و پایم تغییر کرد. اندازه پای من ۳۸ بود و به ۳۹ رسید، ... نتیجه گرفتم که استخوانهایم بزرگتر شده اند. زانوهایم درد می کرد. یک سرباز قدیمی در آزمایشات اتمی با من تماس گرفت، و او بود که من گفت تو با اورانیوم ضعیف شده مسموم شده ای. ولی نمی دانستم اورانیوم ضعیف شده چیست. آزمایش ادرار دادم و نتیجه اورانیوم ضعیف شده تأیید شد. وقتی از پزشکان ارتش خواستم که نتایج را ببینند. جواب دادند که این میزان رادیوآسیون عادی آنهایی است که در شهر زندگی می کنند.»

(دقیقه ۴۲ و ۱۳ ثانیه) یک نظامی قدیمی: «در قطعه ای که من خدمت می کردم، همه از خستگی و درد مفصلی شکایت داشتند. برخی از آنها دیگر قادر به ادامه کار نبودند، و شش ماه بعد کاملاً معلول شدند.» روی این تابلو، میزان سرطان های مختلف را می توانید ببینید، این تابلو متعلق به ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ است، سربازانی که در مناطقی حضور داشته اند که سلاح های اورانیوم ضعیف شده به کار برده بودند. آنهایی که مسموم شده اند، ممکن است دو یا سه و یا پنج سال بعد عوارضشان آشکار شود.

در فرانسه که هیچ اتفاق فوق العاده ای روی نداده، ولی ابتلاء به سرطان ۱۰۰۰ در صد افزایش داشته است. این ارقامی که روی تابلو می بینید نتیجه تلاش های دولت عراق است. صدام حسین هنوز در قدرت بود و سعی کرد افکار عمومی را متوجه این مشکل سازد.

در پایان ۱۹۹۸ دولت عراق سمپوزیومی به مناسبت اورانیوم ضعیف شده با حضور رسانه های بین المللی برگزار کرد. ولی انعکاسی در افکار عمومی جهان ایجاد نکرد، و آن را به تبلیغات رژیم صدام نسبت دادند. دانشمندان نیامده بودند و سی ان ان که حضور داشت، موضوع را اساساً مطرح نکرد.

ولی کارول پیکو، گروهان آمریکائی راننده کامیون طی جنگ علیه عراق، در سمپوزیوم شرکت کرد. همان گونه که در فیلم های مستند حرف های سربازان قدیمی ارتش آمریکا را در مورد مشکلاتشان شنیدیم، می توانیم نتیجه بگیریم که قدرت حاکم در آمریکا در پی پنهان کردن واقعیت است و نه تنها از کمک های درمانی به آنها امتناع می ورزد بلکه با تهدید مانع افشاگری های آنها می شود.

تنها سربازان آمریکائی نیستند که از جست و جو درباره مشکلات جسمی شان بازداشته می شوند، دکتر متخصص پزشکی اورانیوم، سرهنگ تخصصی ارتش، پروفیسور اسف دوراکوویچ از سال ۱۹۹۱ به عوارض اورانیوم ضعیف شده نزد سربازان آمریکائی پی برده بود، خود او می گوید:

پروفیسور اسف دوراکوویچ: «پس از معاینه بیمارانم، دائماً نامه دریافت می کردم و یا تلفنی با من تماس می گرفتند و می خواستند که پژوهش هایم را متوقف کنم. وقتی به مقامات گفتم که من از سوی ایالات متحده مجاز هستم که به

امور بهداشتی سربازان رسیدگی کنم، به من گفتند که به پژوهش های شما دیگر بودجه ای تعلق نمی گیرد و به نفع شما و سوابق کاریتان است که فوراً پژوهش هایتان را توقف کنید.»

سرباز قدیمی ارتش امریکا، دوگ راکی می گوید : «برخی تماس می گیرند، تهدید می کنند و می گویند که ممکن است کارتان را از دست بدهید، در تلفن دائماً سرو صداهای عجیب غریب می شنوم، ایمیل ها تأخیر دارند، و اتفاقاتی در کامپیوتر می افتد، گوئی ویروس وارد کامپیوتر شده... آیا می توانیم تمام این موارد را ثابت کنیم؟ نه، آیا واقعیت دارد، آری. تمام پزشکان و یا مهندسانی که در ارتش کار می کردند، به محض این که از خطر اورانیوم حرف زده اند، اخراج شده اند.»

نمی توانیم اعتراض کنیم، ولی اورانیوم پس از جنگ همه چیز را آلوده کرد. نه تنها سربازان بلکه مردم عادی و غیر نظامی.

(تصویر دقیقه ۵۵ و ۵۸ ثانیه): جدولی که می بینید مرتبط است به منطقه بصره. در بوسنی و به ویژه فرانسه از اورانیوم ضعیف به کار بردند. یک پسر جوان (فرانسوی) به من گفت که او در صربیه بوده، «من در صربیه سرباز بودم، و می توانم به شما بگویم که در آن جا اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند، و امروز من به سرطان مبتلا شده ام، تمام معالجات من با شکست مواجه شده، و حالا به عنوان آخرین امید به ایتالیا می روم.» از او پرسیدم آیا شما پرونده پزشکی دارید، گفت بله و می توانم آن را برایتان بفرستم. ولی نفرستاد، دیگر خبری از او ندارم، ممکن است مرده باشد... نمی دانم. سرطان این سرباز فرانسوی چند ماه پس از بازگشت او آشکار شده بود. این نتیجه اورانیوم ضعیف شده است، و موجب سرطان می شود. نزد سربازان و غیر نظامیان، انواع و اقسام سرطان پوست... طبیعتاً کودکان بیش از همه در خطر هستند، سلول های سرطانی نزد کودکان سریعتر رشد می کند، زیرا در حال رشد هستند.

(تصویر دقیقه ۵۷ و ۲۵ ثانیه) در این تصویر کودک افغان است که به جای چشم دو غده بزرگ دارد، او حالا مرده است... تصاویر بعدی نقص عضو های دیگری را نشان می دهد، کودکی که بدون مغز به دنیا آمده...

(تصویر دقیقه ۵۸ و ۲۱ ثانیه، فیلم مستند) : «نزدیک یک میلیون و دویست هزار عراقی در دوران جنگ به دلیل ۹ سال محاصره توسط ایالات متحده و انگلستان از بین رفته اند. به ویژه کودکان به دلیل کمبود مواد غذایی و دارو جان خود را از دست داده اند. وضعیت به اندازه ای آشفته است که تشخیص ضایعه اورانیوم ضعیف شده بین تمام دلایل دیگر در مرگ و میرها بسیار مشکل به نظر می رسد. [یکی از مقامات عراقی توضیح می دهد که نتایج تحقیقاتشان نشان داده است که اورانیوم ضعیف شده مسئول تولد کودکان هیولائی در عراق بوده است.]

....

این واقعیات را به چشم می بینیم، ولی اگر چه من عادت ندارم همکارانم را در رسانه های ملی فرانسه متهم کنم، ولی رسانه های ملی فرانسه در این مورد یک کلمه هم ننوشتند. ولی با هیجان و شتاب از شکنجه در عراق نوشتند. شاید موجب شگفتی شما شوم و از من برنجید، ولی باید بگویم که شکنجه عراق در تاریخ بشریت ارزش یک خط را هم ندارد «آنها را مجبور کردند لخت شوند، و استمناء کنند.» فیلم پرونوگرافیک چیست؟ این شکنجه در مقایسه با موضوع اورانیوم ضعیف شده و نتایج آن هیچی نیست. و به این علت که اورانیوم ضعیف شده به همه ما مربوط می شود. دوباره تکرار می کنم، در حال حاضر بیش از ۳۰ کشور در جهان اورانیوم ضعیف شده در اختیار دارند، و در جنگ های آینده بیش از پیش همین سلاح ها را به کار خواهند برد.

چرا این موضوع را افشاء نمی کنند؟ نمی دانم چرا. برای یک بار...بوش دوباره انتخاب شد...چرا در باره این موضوع حرف نمی زنند؟ به گمان من دو دلیل...سه دلیل وجود دارد. افرادی هستند که نمی دانند چه کار کنند. البته باید دانست که این موضوع سانسور شده، در آغاز می بایستی به سفارت عراق مراجعه می کردم تا مدارک لازم را تهیه کنم. دومین علت ترس است، زیرا همه می دانند که این موضوع رسوائی تمام عیاری را مطرح می کند. با افشای شکنجه در عراق، چندان خطری تهدیدشان نمی کند، ولی با افشای چنین موضوعی خطر خیلی زیادی برایشان خواهد داشت.

ولی سومین دلیل، به گمان من، این است که، امریکائی ها می دانند در حال انجام چه کاری هستند، می دانند که با کار بردن اورانیوم ضعیف شده به چنین نتایجی دامن زده می شود. ولی چیزی که برای آنها اهمیت دارد، این است که جنگی را بر پا کنند که هیچ کشته ای ندهند، یعنی جنگ با صفر کشته، در جبهه خودشان. جنگ با صفر کشته یعنی این که در جبهه آنها هیچکس کشته نشود. زیرا، امروز نظریه نوینی مطرح کرده اند که مبنی بر آن جنگ می تواند خوب باشد به این شرط که ما هیچ کشته ای ندهیم، در نتیجه کاربرد سلاح اورانیوم ضعیف شده برای پاسخگویی به چنین نظریه ای بسیار عالی به نظر می رسد. با اورانیوم ضعیف شده تمام تانک های دشمن را ظرف چند ساعت تخریب می کنید.

سر هنگ اریک داکسون : «علت پیروزی سریع ما کاربرد اورانیوم ضعیف شده بود»
یک افسر امریکائی مشخصاً می گوید که «تنها گلوله های اورانیوم ضعیف شده دریافت کردیم. به یاد می آورم که هوای بدی بود و به دلیل دود ناشی از آتش سوزی در چاه های نفت دید خوبی نداشتیم، ولی ما با تجهیزاتمان می توانستیم با وجود دود غلیظی که فضا را تاریک کرده بود، ببینیم و جنگ را هدایت کنیم. تیراندازی های ما نیز خیلی دقیق و برای دشمن مرگ آور بود. به همین علت سربازان ما اعتماد به نفس زیادی به دست آوردند.»
در نتیجه چنین تمایلی برای جنگ از نوع صفر کشته، یعنی وقتی می گویند که ما سلاح های مخرب و دهشتناک به کار می بریم، هیچ اهمیتی ندارد، مهم این است که ما برنده جنگ صفر کشته باشیم، و دشمنان را ویران کنیم. ولی این نظریه از کجا می آید؟ این نظریه مستقیماً از جنگ دوم جهانی منشأ گرفته است. متفقین طی جنگ دوم جهانی چه کردند؟ متفقین می گفتند جنگ ارتش علیه ارتش، مناسب نیست، خیلی طول می کشد و خیلی از سربازان ما کشته خواهند شد، در نتیجه چنین راه حلی مناسب نیست. آلمان؟ آلمان را بمباران می کنیم. اقتصاد آلمان را از کار می اندازیم. تمام کارخانه ها و راه های ارتباطی، و شهرها را نیز ویران خواهیم کرد تا روحیه مردم کاملاً تضعیف شود.

کشوری که راه ارتباطاتی ندارد، تولید ندارد، و مردم هم روحیه شان را از دست داده اند، چون که بی خانمان شده اند و مرگ نزدیکانشان را دیده اند، کشوری است که دیگر توان جنگیدن ندارد. به این شکل بود که متفقین پیروز شدند، و تمام این داستان های قهرمانی...«آخرین نبرد...» و غیره بی اساس است. متفقین گفتند، نه نه، جنگ نوین چیز دیگری است. جنگ نوین تخریب کشور است و نه تخریب ارتش کشور. و اوج این نظریه درجاپان به اجراء گذاشته شد. در مورد جاپان گفتند که می توانیم به زانو درآوریمش ولی سه چهار سال طول می کشد تا تمام جزایر را تسخیر کنیم، ...پس تصمیم گرفتند بمب اتمی را پرتاب کنند. [تسلیم نمی شوید؟ بمب دوم را هم پرتاب می کنیم، روی سر زن و بچه...]

برای حفاظت از جان سربازان غیر نظامیان را می کشند. جنگ علیه جاپان و جنگ علیه المان یعنی همین، یعنی کشتار غیر نظامیان. نمی خواهیم نظامیان ما کشته شوند. سربازان برای رژه خوب هستند، در نتیجه باید زن و بچه دشمن را کشت، با سلاح های وحشتناک و جهنمی. بمب اتمی یعنی کشتار زن و بچه های دشمن.

فرض کنید هیتلر برای تسخیر فرانسه اعلام می کرد که نمی خواهد سربازانش را از دست بدهد، اگر تسلیم نشوید ماری را بمباران خواهیم کرد، و اگر باز هم پافشاری کنید لیون را بمباران خواهیم کرد... اگر هیتلر چنین کاری کرده بود الان ما درباره او چه می گفتیم؟ دائماً در ماری و لیون علیه بربری نازی راه پیمائی می کردیم.

ادوارد بلدور می گفت «جنگ کشتن زن و بچه نیست»، ولی امریکائی ها زن و بچه می کشند. اگر هیتلر دست به چنین کاری می زد، الان هر روز تظاهرات می کردند، و هیتلر هیولای مطلق معرفی می شد، ولی چون که امریکائی ها دست به چنین اعمالی می زنند، قانونی است و هیچ اشکالی ندارد.

آن چه در جنگ ۱۹۴۵ کاشتند، یعنی خواستی که مبنی بر جنگ صفر کشته بود. فاجعه ای که اورانیوم ضعیف شده به وجود دارد، نتیجه چنین طرحی است. وقتی یک سرباز امریکائی کشته می شود، آشفته می شوند و می گویند او برای آزادی جاننش را از دست داد... یعنی چرت و پرت های همیشگی. این تصاویری که از کودکان اورانیوم ضعیف شده می بینیم پیامد منطقی همان هیروشیما است. به همین علت است که شهادت افشای آن را پیدا نمی کنند. اگر بخواهند بگویند این کار جنایت است، مجبور خواهند بود که شروع آن را در ۱۹۴۵ افشاء کنند. ۱۹۴۳، ۱۹۴۴ در هامبورگ.

به این ترتیب، یک دلیل دوم هم وجود دارد، زیرا با وجود چنین وضعیتی جنگ هرگز تمام نخواهد شد. اورانیومی که در عراق پراکنده شده، چهار میلیارد سال دوام خواهد آورد. مناطقی که دیگر قابل زیست نیست. جنگ تمام نمی شود. جنگ میلیاردها سال طول خواهد کشید. کشورهایی که از «برادر بزرگ» تبعیت نکنند، ویران خواهد شد، برای میلیاردها سال. به ارتش این کشورها حمله خواهند کرد، به زن و بچه هایشان حمله می کنند، و کودکانشان به این شکل هیولائی به دنیا خواهند آمد. می خواهید مقاومت کنید؟ این آن چیزی است که منتظر شما خواهد بود. این جنگی است که تمام خواهد شد.

این فلسفه ای که از جنگ بی پایان حرف می زند از کجا می آید؟ از جنگ دوم جهانی.

در جنگ جهانی دوم چه اتفاقی افتاد؟ در پایان جنگ با المان قرارداد صلح بسته نشد. ما رسماً همچنان با المان در جنگ هستیم. آیا شما از قرارداد صلح با المان چیزی شنیده اید؟ نه. با المان قرارداد صلح امضاء نشد. رسماً با المان نازی در جنگ هستیم، که دیگر وجود خارجی ندارد. با المان فزیکمان در جنگ نیستیم، ولی علیه ناسیونال سوسیالیسم در جنگ هستیم. ما همچنان در جنگ هستیم، با المان قرارداد صلح نبستیم. این جنگ چه وقتی آغاز شد؟ اول اکتبر ۱۹۴۵. آن کسی که لباس سربازی به تن داشت، لباس قاضی به تن کرد و گفت حالا ترا محاکمه می کنم، محاکمه رهبران اصلی. باید شما را تربیت کنیم، ولی تصور نکنید که جنگ تمام شده است. تمام تمایلات زیان آور شما را از بین می بریم. و از این راهکار برای کشورهای دیگر نیز استفاده خواهیم کرد که آنها نیز بهره مند شوند. جنگ تمام نشده، جنگ ادامه دارد. قاضی عمومی رابرت جکسن در نورمبرگ چه گفت؟ او در کیفرخواستش نوشت: «دادگاه نورمبرگ ادامه جنگ در اشکال دیگری است.» این موضوع واقعیت دارد و به شکل رسمی اعلام شده است.

«شما که روی نیمکت متهم نشستید، ما با شما در جنگ هستیم، شما را اعدام می کنیم» چون که نمی خواهیم جنگ تمام شود.

بعد ما را از نازیسم می ترسانند که ممکن است به زودی بازگردد، - تنها اگر واقعیت داشته باشد - برای این و آن را به زندان می اندازند، شش ماه برای آن ده ماه برای این، چون که نازی بد طینت هستند. جنگ متوقف نشده است. کودکان اورانیوم ضعیف شده نتیجه همین فلسفه است. که جنگ متوقف نشود. شما نمی توانید علیه «برادر بزرگ» مقاومت کنید، او شما را برای ابد ویران خواهد کرد. در نتیجه، اورانیوم ضعیف شده، موجوداتی که در این تصاویر می بینید، چیزی فراتر از یک اسلحه است. اسلحه ترسناک که مستقیماً از جهنم بیرون آمده است. سلاح اورانیوم ضعیف شده کاربست یک فلسفه، یک اندیشه کاملاً مشخص است. فلسفه «برادر بزرگ» (بیگ برادر) که همه ما را تهدید می کند. به همین علت برخی وقتی این تصاویر را می بینند، شانه بالا می اندازند، و می گویند اهمیتی ندارد، اینها عرب هستند. ولی به این برخی ها باید گفت: احمق بیچاره امروز عرب ها دچار این مصیبت شده اند، فردا شما خواهید بود. صرب ها، بوسنی ها. جنگ متوقف نمی شود، موضوع به همه مربوط می شود. دموکراسی جنگ ابدی را اختراع کرده است. البته با انگیزه صلح ابدی.

حدود بیست سال پیش یک کتاب امریکائی منتشر شد به نام «جنگ ابدی برای صلح ابدی» این بار ما هستیم که این تصاویر را در اختیار داریم، باید این جنایت را افشاء کنیم. جنایتکار واقعی آنها هستند، جنایتکار هستند نه به این علت که بوش جنایتکار است یا تونی بلر جنایتکار است، بلکه می بایستی تا منتهی درجه فلسفه ترومن و چرچیل و روزولت را توسعه می دادند، منشأ اصلی در این جاست. نه این که تنها بیائیم و بگوئیم اینهایی که اورانیوم ضعیف شده به کار برده اند جنایتکار هستند. چون که پیش از اینها، دیگرانی وجود داشته اند. شهادت افشای چنین جنایتی را پیدا نمی کنند چون که می ترسند از آن نتیجه گیری کنند. نتیجه ای که آنها را به جنگ دوم جهانی باز می گرداند.

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۵ جولای ۲۰۱۲

STOP UA !

از هیروشیما تا بغداد

کاربرد سلاح

اورانیوم ضعیف شده

در جنگ های معاصر

Vincent REYNOUARD

Le scandale des armes à l'uranium appauvri

[Vidéo Le scandale des armes a l'uranium appauvri de EINSTEINXP \(Vie étudiante -](#)

[EINSTEINXP\) - wat.tv](#)

ونسان رینوآر

(ویدئو - سخنرانی)

اسرار و رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده

ترجمه متن سخنرانی روزنامه نگار فرانسوی ونسان رینوآر